وضعیت تغییر کرده است

بهار سال ۶۱ به خزانی سخت برای صدام و ارتشش تبدیل شده بود و رسانه‌های خارجی نیز منتظر شکست دیگری برای ارتش صدام بودند. ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ ده روز پس از آغاز عملیات بیت‌المقدس و پیش از آزادی خرمشهر روزنامه‌ی the age استرالیا نوشت: «به دلیل محاسبات غلط عراقی‌ها، اکنون وضعیت به‌کلی تغییر کرده است. عراق تصور می‌کرد می‌تواند با راه‌انداختن جنگی سریع، کوتاه‌مدت و ناگهانی ایران را به پای میز مذاکره بکشاند یا در صورت امتناع، آن را به زانو درآورد. هرچند نیروهای نظامی ایران تمرکز خود را بر بیرون راندن نیروهای عراقی گذاشته‌اند، اما رژیم تهران این واقعیت را پنهان نمی‌کند که امیدوار است ـ و توقع دارد ـ که موفقیت‌های نبردهای ایران، سرنگونی رئیس‌جمهور صدام حسین را به همراه آورند. پیروزی‌های اخیر ایران، شوک‌هایی را به پایتخت‌های کشورهای عربی وارد کرده و واکنش‌های آن‌ها را در پی داشته است. این رهبران، احتمالاً به‌غلط، تصور می‌کنند که پیروزی ایران [در این جنگ] به گسترش انقلاب ایران [در منطقه] منجر خواهد شد.»

۱۳ و ۱۴ خرداد ۶۱

در میانه‌ی خرداد، کمتر از دو هفته بعد از آزادی خرمشهر، صهیونیست‌ها به جنوب لبنان حمله کردند. ایرانی‌ها که با پیروزی در خرمشهر احساس قدرت بیشتری داشتند بلافاصله تصمیم‌هایی برای جنگ با صهیونیست‌ها تصویب کردند و آماده‌ی اعزام نیروی نظامی به سوریه و لبنان شدند؛ تصمیمی که در شورای عالی دفاع گرفته شد و بلافاصله نیروهایی به سوریه اعزام شدند.

۳ خرداد ۶۱

پشت دروازه‌های شهر کم‌تر از هزار نفر می‌خواستند به حدود پانزده‌هزار نیروی دشمن حمله کنند. فرماندهان دودل بودند. اگر محاصره‌ی خرمشهر شکسته می‌شد و ارتباط نیروهای عراقی با نیروهای داخل شهر برقرار می‌شد، آن وقت دیگر نمی‌شد جلویشان را گرفت و همه چیز بر باد می‌رفت. اما نیروهایی که به اروند رسیدند با گوشت و پوست و استخوانشان دفاع کردند تا محاصره شکسته نشود. مقاومتی که روحیه‌ی نظامیان عراقی را که در داخل شهر بودند شکست و خودشان را تسلیم کردند.

۲۰ خرداد ۶۱

هیأت سیاسی-نظامی ایران ۲۰ خرداد از سوریه بازگشت و به دیدار امام رفتند و در جلسه‌ای شرکت کردند که اعضای شورای عالی دفاع نیز حضور داشتند. در روزهای بعد امام خمینی مخالفتش با حضور نظامی برای جنگ با صهیونیست‌ها را صریحاً اعلام کرد.

۳۱ خرداد ۶۱

امام خمینی در سخنانی مفصل بر اولویت جنگ با صدام تأکید کرد و رسماً اعلام کرد در مسئله‌ی حمله‌ی صهیونیست‌ها به لبنان «ما هم یک قدری بازی خوردیم.»

۱ تیر ۶۱

فرماندهان ایرانی متمرکز شدند تا عملیات رمضان را اجرا کنند. امام خمینی پس از مخالفت اولیه به شرطی اجازه‌ی ورود به خاک عراق را داده بود که سرزمین عملیات جایی باشد که مردم عراق آسیب نبینند.

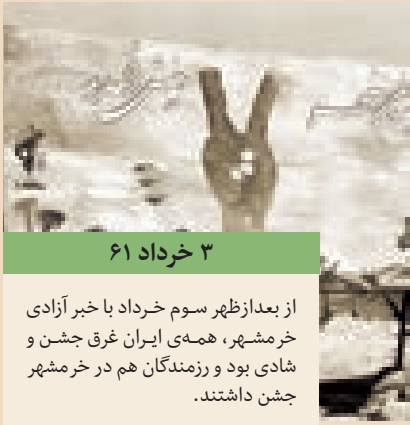

۳ خرداد ۶۱

از بعدازظهر سوم خرداد با خبر آزادی خرمشهر، همه‌ی ایران غرق جشن و شادی بود و رزمندگان هم در خرمشهر جشن داشتند.

۲۳ خرداد ۶۱

خبر دادند که دومین گروه از نیروهای داوطلب ایران وارد سوریه شده‌اند. همین روز محسن رضایی، فرمانده سپاه، گفت فرصت دادن به آمریکا و رژیم صهیونیستی به نفع مستضعفان جهان نیست و «تنها راه رهایی از شر اسراییل، فقط و فقط مبارزه‌ی مسلحانه است.»

۱ تیر ۶۱

هاشمی در خاطراتش نوشته است که امام گفته فعلاً کسی را به لبنان نفرستند اما ۴ تیر هاشمی با احمد خمینی تلفنی صحبت کرد و گفت که اسراییل در حال پیروزی در لبنان است و خواست که با امام در این‌باره گفتگو کند. همان روز احمد به دیدار هاشمی رفت و به او گفت: «امام مخالف اعزام نیرو به لبنان هستند.»

۲۲ تیر ۶۱

عملیات رمضان آغاز شد. با وجود موفقیت‌های اولیه، در مراحل بعدی با شکست‌هایی تلخ همراه شد. ماهیت جنگ تغییر کرده بود و همچنین عراقی‌ها در دفاع بسیار بهتر عمل کردند. گزارش‌هایی که بعدها منتشر شد نشان داد که عراقی‌ها در این موقعیت تنها نماندند و ایران تقریباً تنها بود.

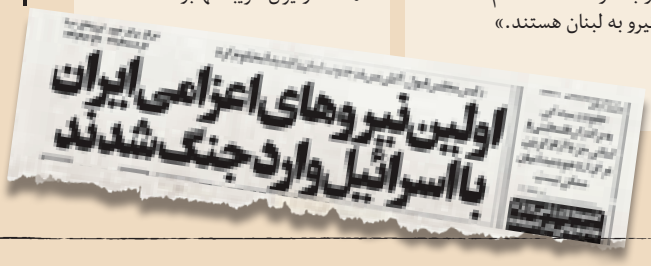
اولین نیروهای اعزامی ایران
با اسرائیل وارد جنگ شدند